

# « تفسیر آیات سیاسی قرآن کریم »

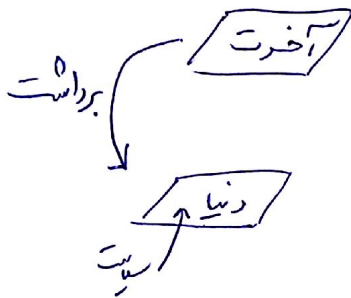
دکتر آقایی، سال تحصیل ۹۵-۹۶

اگرچه تفسیر سیاسی قرآن کریم را مبنا قرار دهیم، چند دیدگاه در میان متفکران مسلمان وجود دارد:

۱ دیدگاه شرق شناس: با توجه به این که قرآن کریم روکرد اخروی دارد، بیش تر به سعادت اخروی اشاره دارد. از آن جا که سیاست، بحث دنیوی است، ربطی به آخرت ندارد. قرآن برای سعادت اخروی نازل شده و اگر هم برای دنیا استفاده شود، تنها برداشتی از آن است. این دیدگاه، تفکیکی است ← (دنیا / آخرت)

مثلاً قرآن با مقولات معنوی و روحانی سروکار دارد اما سیاست با دروغ و دغل همراه است؛ پس ارتباط میان قرآن کتب و سیاست وجود ندارد.

به نوعی، به سکو لاریسم می رسند. در این روکرد، آیه های سیاسی وجود ندارد بلکه در نهایت برداشت سیاسی از آیات قرآن کریم است.



۲ اگرچه قرآن کریم برای سعادت اخروی نازل شده اما برای دستیابی به این سعادت، باید از لوازم و مقتضای استفاده کرد. گویا از همین مقدمات سعادت، سیاست است.



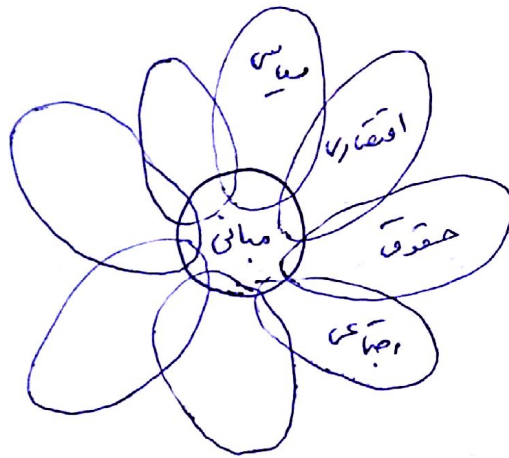
این روکرد، تفکیک دلائل ناسیه می شود که در آن دلالت های سیاسی وجود دارد.

در این دیدگاه، هم چنین سکو لاریسم وجود دارد اما نه به میزان روکرد اول.

در این دیدگاه هم چنین آیات سیاسی وجود ندارد بلکه دلالت های سیاسی دیده می شود.

۳ متن حاوی گزاره های سیاسی نیز هست. در این دیدگاه اعتقاد بر این است که آیات سیاسی در قرآن کریم وجود دارد اما صفت بندی دارند: روکرد حد اقلی و حداکثری.

« در روکرد حداقلی، اولاً یک سری مبانی وجود دارد؛ نظری توحید و ثنائی حوزه ای مختلف وجود دارد. بر این اساس تمام آیات قرآن کریم، مبتنی بر توحید هستند و حوزه ای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و غیره وجود دارد.



مبنای تعیین تعداد آیات سیاسی قرآن در روکرد حداقلی در زمان این تواناگون متفاوت است و هر چه جلوتر می رویم با توجه به این که مبانی سیاست تغییر پذیر است، آیات سیاسی افزایش می یابد. \* اشکال این روکرد این است که مبنای تعیین آیات سیاسی در خارج از قرآن است.

نگاه دهی سطحی مبتنی بر همین روکرد حداقلی بود و معمولاً آیات الاحکام سیاسی، اقتصادی و... مورد بحث واقع می شد.

« متن کتاب قرآن تماماً سیاسی است. از این حیث، حداقلی است.

می نویسند اگر به ویژگی های قرآن توجه کنیم یعنی اگر فرض کنیم فرازمانی و فرامکانی است، چنین امری اقتضای حداقلی دارد. از طرف دیگر انسان دارای محدودیت عقلی است و گستره ای علوم و جریان دانش در زمان

مختلف متفاوت است و هم چنین جریان ابطال پذیری علوم و... لذا اگر در تفسیر قرآن، به این بستنجوریم نقصان انسان است و ویژگی های قرآن امکان تفسیر را ایستاده کند.

هم چنین قرآن، سبکی است ثقیل. یکی از ابعاد ثقیل بودن قرآن که ناظر بر لایه های بودن قرآن است، ثقل معنایی است. مثلاً در تفسیر آیه «لکم دینکم و بی دین» با یک لحن می توان آزادی عقیده را برداشت کرد و با لحنی دیگر نوعی تهدید.

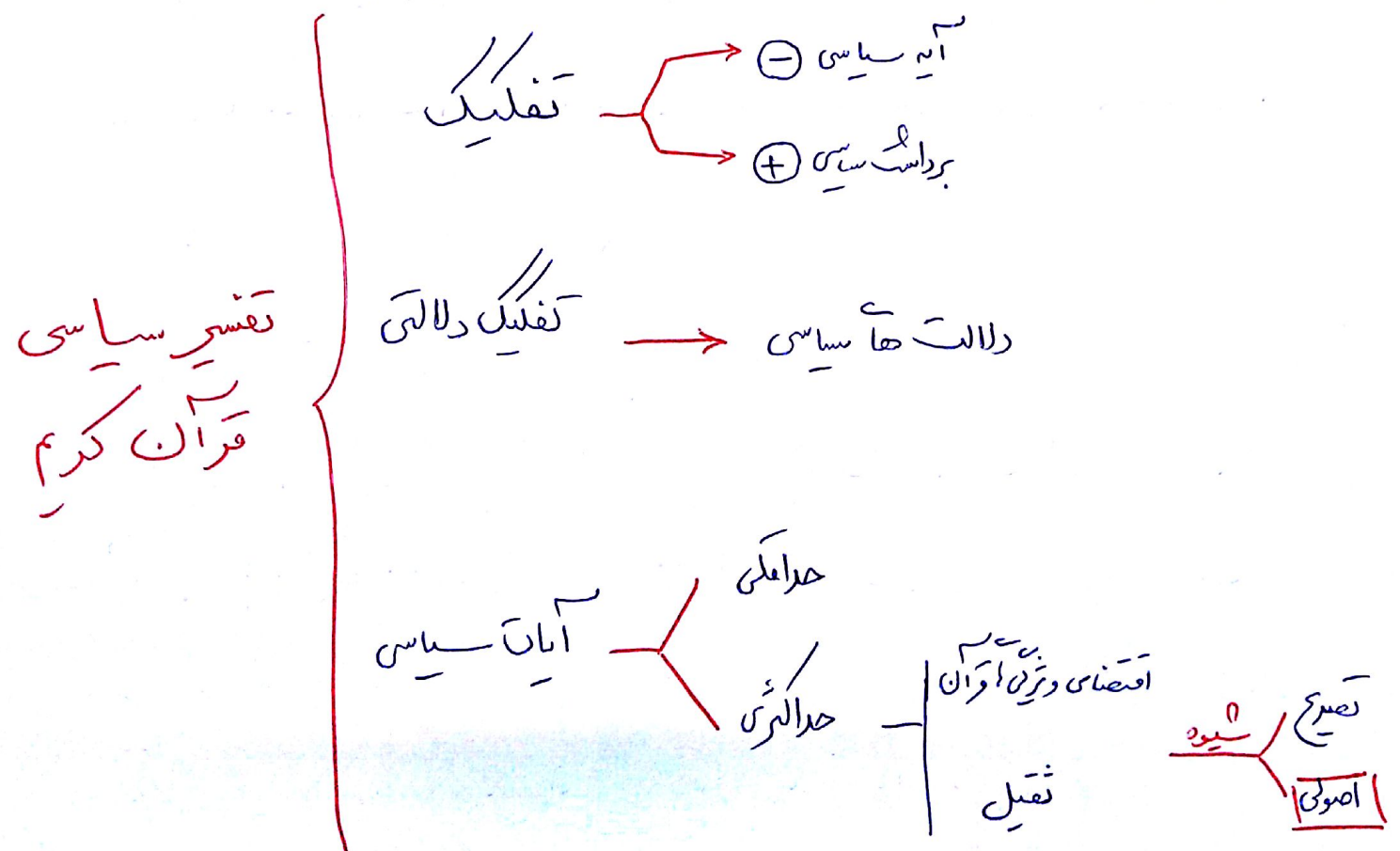


علاوه بر لایم لایم بودن آیات قرآن، امام خمینی<sup>(ره)</sup> دلالت دیگری از ثقل معنا می‌کند. در این بیان، کتب قرآن، برای انسان کافراست. تمام قرآن در سوره‌ی حمد وجود دارد و تمام آن در بسم الله الرحمن الرحیم سوره‌ی حمد وجود دارد و تمام آیات قرآن در «بسم الله» قرآن وجود دارد و برای تفسیر قرآن «بسم» کافراست.

در نگاه حد اکثری تمام قرآن سیاسی است؛ تمام قرآن اقتصادی است؛ تمام قرآن فرهنگی است. لذا تمام آیات سیاسی هستند، حتی اگر ما آن را نتوانیم به تفسیر آن دست یابیم.

**سوره‌ی** دریافت آیات سیاسی متفاوت است؛ برخی قائل به «تصریح» هستند. این افراد در مقام کاربرد مطلق دارند؛ چرا که نمی‌توانند تمام مصداق را از قرآن استخراج نمایند.

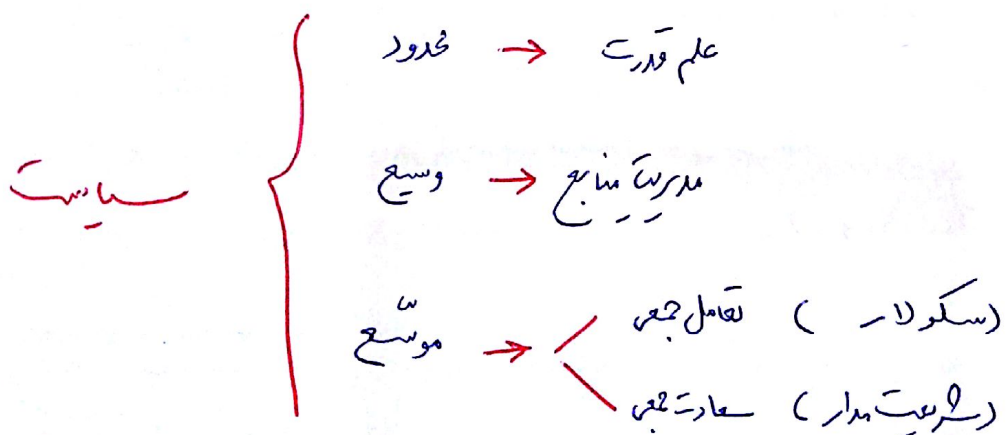
برخی دیگر قائل به اصول هستند (اصولگرایان). در این رویکرد اصول کلی سیاست استخراج می‌شود و سپس مسائل سیاسی به وجود آمده به این اصول ارجاع داده می‌شود.



این که چه برداشتی از سیاست داشته باشیم، در مصادیق آیات سیاسی اهمیت پیدا کند.

ساده ترین تعریف از سیاست این است که سیاست را علم کسب، حفظ و توسعه قدرت بدانیم. برخی تعاریف از سیاست به قدری مضیق هستند که مصادیق آیات سیاسی را محدود می کنند. تعریف سیاست به علم قدرت، تعریف محدود است. برخی تعاریف، حوزه سیاست را وسیع تر می کنند و از سیاست به علم توزیع و کنترل مناسبات و مدیریت منابع تعبیر می کنند. تعریف دیگر، نظامی که فرد و از حالت انفراد خارج می شود و به اجتماع می پیوندد، هر فعلی از او سر بزند جنبه سیاسی دارد. در این تعریف موسوع است، تعامل جمعی، سیاست می باشد. نگاه سکولار و شرعی مدار، تعریف موسوع را در نظر می گیرند. با این تفاوت که سیاست در نگاه دینی، اقدام برای سعادت جمعی است؛ این دیدگاه اولاً غایت گراست و ثانیاً تنظیم مناسبات اخروی به منزله نادیده گرفتن دنیا نیست. در حالی که دیدگاه سکولار تنها به رفاه دنیوی می پردازد. حوزه سیاست اسلامی، به صورت فردی نیست، بلکه باید چگونگی وجود داشته باشد.

سیاست در نگاه دینی، تعطیل بردار نیست؛ امام خمینی<sup>(ره)</sup> فرمایند برای دستگیری به سعادت جمعی و نجات مردم، باید قدرت را درست داشت؛ اما نبود قدرت، مانع از تلاش برای سعادت جمعی نمی شود، مانند زمان معصومین<sup>(علیهم السلام)</sup> که برخی از ائمه بدون در دست داشتن قدرت، از تلاش نمی ایستادند.



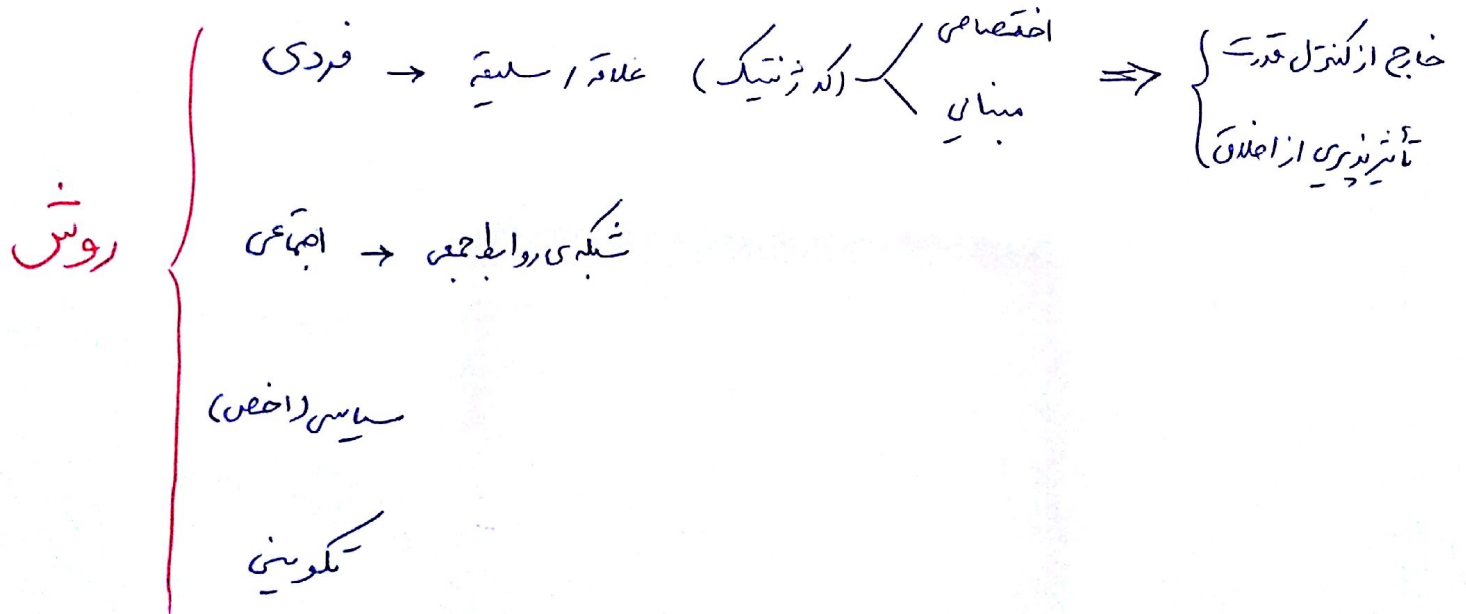
روش های تجزیه و تحلیل آیات سیاسی (الگوی تحلیلی بر اساس رویکرد حد اکثری)  
در یک تقسیم بندی کلی در ۴ دسته می توان تقسیم بندی کرد:



**موضوعات فردی** به موضوعات اطلاق می شود که ناظر بر علایق و سلیق خود اشخاص است (که ژنتیک) و اثری ای که ژنتیک آن است که اولاً اختصاص است و ثانیاً مبانی است. بر اساس این ویژگی ها، که ژنتیک به سادگی تحت کنترل قدرت قرار نمی گیرد. بازور نمی توان علاقه و سلیقه را تحمیل کرد. اما با ابزار نرم تفریح اخلاق می توان چنین تأثیری گذاشت.

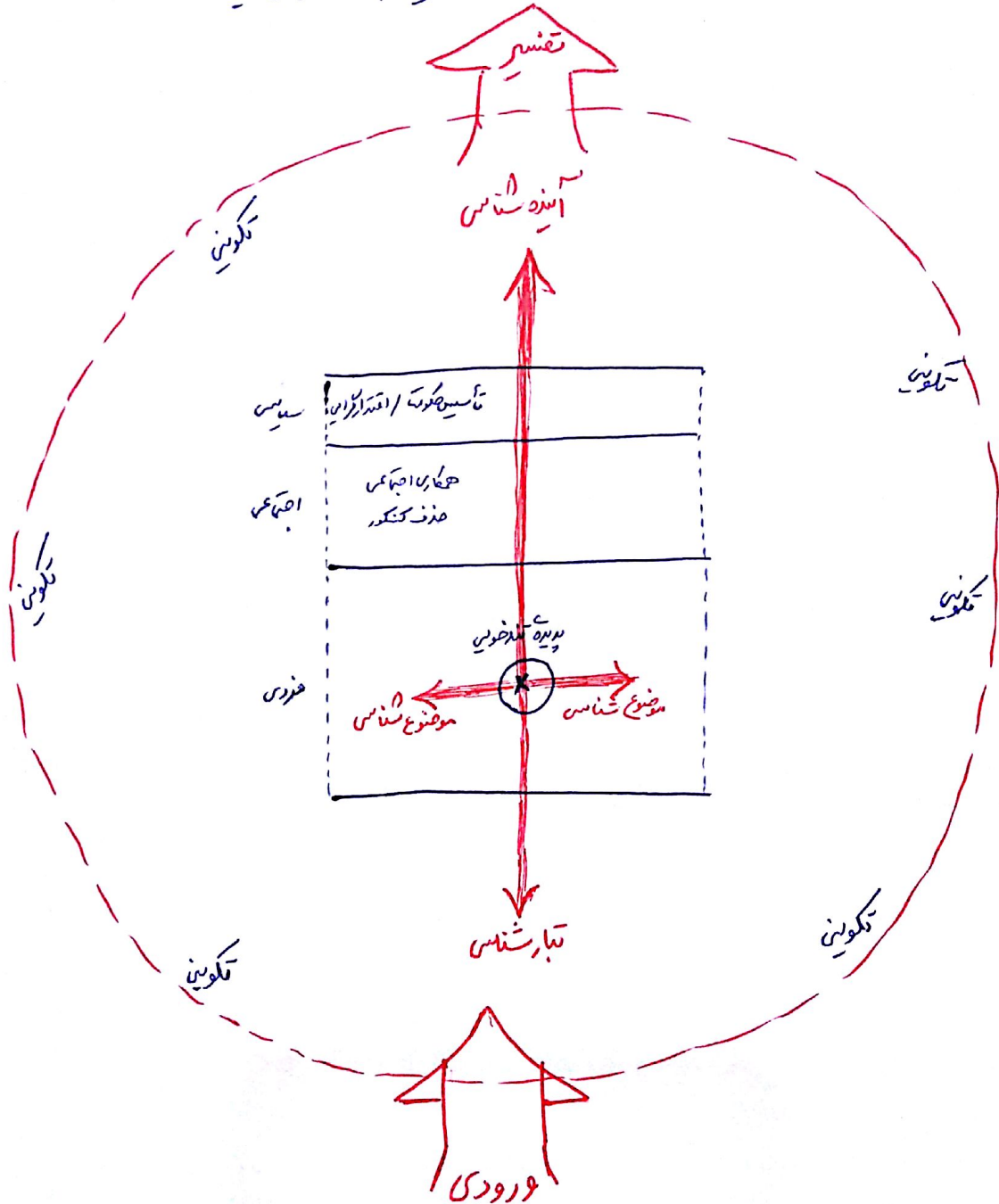
موضوعات فردی اگر چه در نگاه اول، سیاسی به نظر نمی رسد، اما در نگاه گریه مدار سیاسی است، چرا که با حوزه اخلاق پیوند دارد. لذا اگر اخلاق را ابزار تأثیرگذاری بر سیاست بدانیم، تمام آگهی که با حوزه ای اخلاقی مرتبط هستند، سیاسی هستند. مدیریت مؤثر، مدیریتی است که از این حوزه (فردی) شروع کند.

**موضوعات اجتماعی**: افراد وقتی در یک جمع قرار می گیرند، شبکه ای روابط اجتماعی شکل می گیرد. منافع افراد با یکدیگر مرتبط می شود. هر دیدی ای هنگامی که وارد روابط اجتماعی می شود، دیگر فردی محسوب نمی شود. معولاتی که جزو جامعه شناسی هستند، نیز سیاسی هستند. کانون روابط اجتماعی، خانواده است و سیاسی از امور سیاسی باید از طریق خانواده حل و فصل گردند.



# الگوی تحلیلی فضا محور

**فضا:** حوزه ای از بحث می باشد که تابع یک شاخص معین باشد.  
 در الگوی تحلیلی فضا محور، چهار حوزه داریم: فردی، اجتماعی، سیاسی، تکنونی.  
 شاخص حوزه فردی، علامه رستگ (کد رنگ) است. این شاخص، بنیادین هستند.



بسیاری از آیات قرآن اگر چه جنبه روان شناسی دارند، اما بر اساس الگوی تحلیلی فضا محور، این دسته از آیات نیز سیاسی محسوب می شوند؛ چرا که تأثیر فضای فردی، در فضای اجتماعی و سیاسی دیده می شود.  
 شاخص حوزه اجتماعی، شبکه های روابط اجتماعی است (شبکه های منافع) به تعلقات مشترک

هر چه از سمت حوزه فردی به سمت حوزه اجتماعی و سیاسی پیش می رویم، از علایق و مسائل گسترده تر می شود و



و تعلقات و قراردادها افزوده می شود.

در حوزه سیاسی، سیاست به معنای اخلاص (قدرت) ملاک است.

دولت های بزرگ (دولت های که در حوزه های فردی و اجتماعی دخالت می کنند) دچار مشکل می شوند. دولت باید به اداره فضای فردی و اجتماعی بپردازد نه این که خود دولت را وارد شوند. کوچک شدن دولت، هزینه را کاهش می دهد. کاهش فضای سیاسی، شکلهای قدرت است.

**فضای تکوینی**؛ کاهش فضای تکوینی رابطه ای است که بر اساس اعتقاد اعتقاد شکل گرفته باشد. فضای تکوینی، حوزه معادلات غیر متعارف است. بدیهه ای در این فضا از طریق عقل قابل شناخت نیستند بلکه باید با ایمان فهم شوند. این فضا ماحضه گم نیست؛ اگر چه هر توان روش های گم را در این فضا مورد استفاده قرار داد. لزوماً روش های گم را نباید استفاده کرد. استفاده از نتایج بدیهه ای نیز روش دیگری است که می توان از آن بهره گرفت؛ به عنوان نمونه، افزایش تعاضات و دگرگونی ها در یک جامعه، نشان از کاهش سطح ایمان دارد.

- آیت محمد زنجانی در کتاب «بنا اندیشه های سیاسی در اسلام» ص ۲۱۸ تا ۲۴۳ و اثرشان سیاسی قرآن کریم را بررسی می کنند. این اثرشان که حدوداً صد واژه است، بر مبنای کاربرد اولیه این واژگان در عرصه سیاسی استی - شده اند. اگر باجهن مبنای به سراغ قرآن کریم برویم، ممکن است تعداد واژگان استخراجی، کم یا زیاد شود.

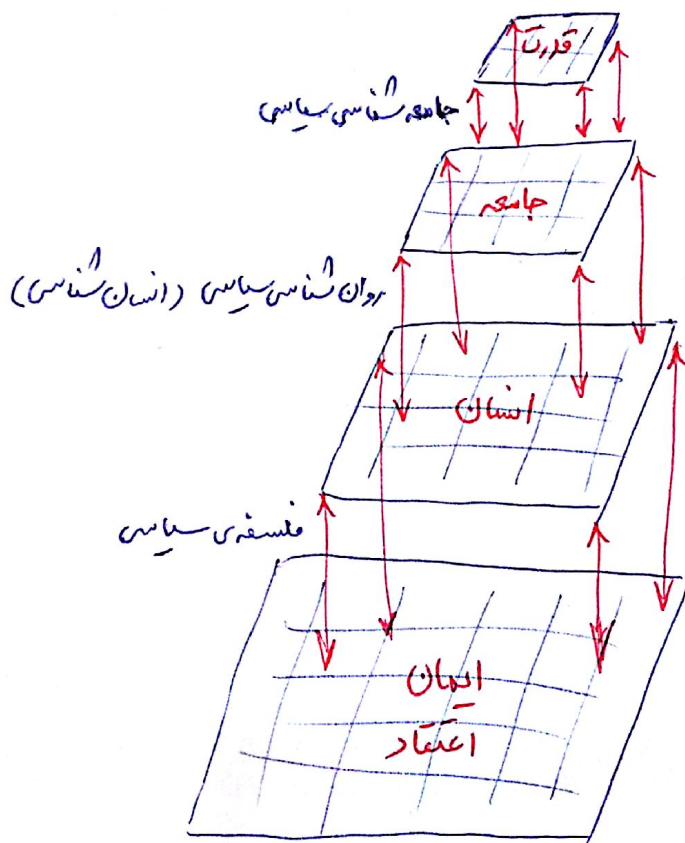
- در تعیین آیات سیاسی قرآن کریم، باید از کاهش ترکیبی استفاده کنیم:

فلسفه سیاسی  
روان شناسی سیاسی  
جامعه شناسی سیاسی  
علوم سیاسی (قدرت)

**کاهش ترکیبی**

اگر مبنای تعیین آیات سیاسی را علوم سیاسی و کاهش آن (قدرت) قرار دهیم، به تعداد محدودی از آیات می رسیم. باید توجه داشت که اجتماع بر فضاهای سیاسی تأثیر گذار است. لذا جامعه شناسی سیاسی اهمیت

می یابد. جامعه شناسی سیاسی، حوزه ای از مطالعات است که تأثیر جامعه بر قدرت را بررسی می کند.  
 لذا آیه ای که به جامعه مربوط می شوند، می توان در زیره ای آیات سیاسی قرار داد.  
 پایه های یک جامعه بر وجود انسان ها و کارکردها است. بدین ترتیب، شناخت انسان اهمیت خاصی پیدا می کند.  
 روان شناسی سیاسی به ارتباط انسان و قدرت می پردازد. لذا با این مبنا، آیه ای که انسان را مورد بررسی قرار داده است  
 سیاسی خواهد بود.  
 و معنی شناخت و روش شناخت  
 فلسفه سیاسی، متون کاوش در امور مبنایی است. اهمیت فلسفه سیاسی از آن جایی است که آن چه در این  
 حوزه مورد تدریس واقع می شود، در لایه های عمیقی اثر گذار است. بنابراین آیه ای که ایمان، اعتقاد، رضایت خداوند،  
 و ... اشاره دارد، بر مبنای فلسفه است. پاسخ به سؤالات مبنایی، آثار و تفکات در لایه های عمیق دارد. مثلاً  
 اعتقاد به قیامت، ...



با این سه خصل ترکیب، می توان از ۹۹ درصد آیات قرآن، تفسیر سیاسی داشت. آن یک درصد مربوط به آیه ای است  
 که تفسیر آن ها مشکل است مانند آیه داری حروف مقطعه.



- اولین مفهومی که در آیات سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد، مفهوم « قدرت » است. قرآن کریم ۹ دلالت در باب قدرت دارد. واژه‌ی « قوه » به عنوان مدخل در نظر گرفته می‌شود. واژه‌ی « قوه » در ۱۴ مورد در قرآن کریم به کار رفته است که در بران در ۹ گروه تقسیم می‌گردد :

۱. التزام عامل ؛ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ ... (بقرة / ۶۳) خود فرد باید نسبت به قدرت که دارد در خواهر اعمال کند، نوعی التزام و باور داشته باشد. هر چه التزام و باور عامل قدرت بیش تر باشد، میزان نفوذ قدرت بیش تر خواهد شد.

۲. اقدام ؛ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا (اعراف / ۱۶۵) اقدام علی لازم است. اعتقاد و التزام به قدرت کافرنسب بلکه باید در عالم خارج نیز تجلی یابد. ضرورت کارسب قدرت مهم است.

۳. بازدارندگی ؛ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْجَوْنَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ (انفال / ۶۰) کتب قدرت باید به صورت افزایش برای ارجاب (بازدارندگی) دشمنان صورت گیرد. قدرت باید در حد استطاعت و باغایت بازدارندگی تأمین گردد.

۴. سلطه ؛ قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُم قُوَّةٌ أَوْ آتِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (هود / ۸۰) اعمال اراده بر روی حرف به صورت غیر مستقیم برای تمکن طرف مقابل. البته سلطه با غلبه متفاوت است.

۵. انسجام ؛ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي تَفْضَحُ غَزْلَهَا مِنْ جَدِّ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا (غل / ۹۲) هر چه در درخورد عامل به استحکام پرداخته شود، یعنی نزدیک شدن و انسجام بخش ها مختلف جامعه به هم ملحق، قدرت افزایش می‌یابد.

۶. مساعدت ؛ قَالَ مَا مَلَكْتِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٍ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (کهف / ۹۵) بازتر عامل باید تا جایی که ممکن است، از همکای سایر بازیگران برای پیش برد اهداف خود استفاده نماید.

۷. سلسله مراتب ؛ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ (غافر / ۸۲) منسبان از ان

از این آیه دلالت عدم اصلیت قدرت کرده اند.

۸ غلبه؛ كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَا أَنَا وَرُسُلِي. إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (مجادله / ۲۱)

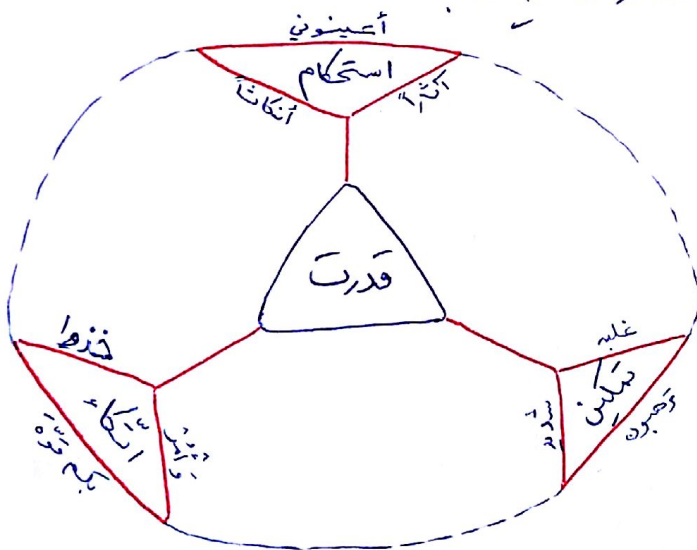
غلبه دلالت بر تسلط علمی دارد. تسلط معنوی ای عام است به صورت فزاینده و غیر فزاینده و مستقیم و غیر مستقیم. غلبه جنبه‌ی فزاینده دارد. تسلط، اعمال اراده است.

۹ مجازات؛ فَكْفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ. إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (غافر / ۲۲) مجازات باید باشد.

با قدرت باشد.

جمع بندی: از بررسی های صورت گرفته و تقسیم بندی ها بالا چنین برآید نتیجه گرفت:

قوه (قدرت) دارای سه دلاله اصلی در قرآن کریم می باشد:



الف) استحکام قدرت [۲ و ۵ و ۶]

ب) قابلیت اتکا به قدرت [۱ و ۲ و ۴]

ج) تمکین قدرت [۳ و ۸ و ۹]

قرآن کریم در بحث فلسفه‌ی قدرت بیش تر از آن که به تأمین منابع قدرت توجه بدهد، به کسب استحکام قدرت تأکید دارد.

دومین تأکید قرآن کریم، قابلیت اتکا است. یک بازنگری ممکن است قدرت زیادی داشته باشد اما قابل اتکا نباشد. ولی یک بازنگری ضعیف قابلیت اتکا داشته باشد. سوریه که در زمان جنگ تحمیلی از ایران حمایت کرد، اکنون که درگیر جنگ شده است، از طرف ایران حمایت می‌شود؛ لذا ایران یک بازنگری [۱۰]



قابل است.

تمکین، بعد عملی و پراگماتیک قدرت است. عاملان قدرت، علی رغم این که باید روی دو وجه استحکام و قابلیت اتکا کار کنند، نباید از ثمرات قدرت غافل شوند. نتیجه استحکام و قابلیت اتکا باید بازدارندگی، شدت و غلبه باشد.

استحکام ناظر بر ساخت درونی قدرت است.

\* امروزه مفهوم قدرت نرم در سیاست مورد توجه است. طرح مفهوم قدرت نرم در پی جدیدی باز کرد که آیات را بتوانیم سیاسی تفسیر کنیم. تمام گونه های غیر اجباری قدرت را در مفهوم قدرت نرم به کار ببرند.

از جمله مباحثی که در گونه های غیر اجباری قدرت وجود دارد عبارتند از:

❖ اخلاق ← آیه ۱۵۹ سوره آل عمران: «وَلَوْ كُنْتَ فَضًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لَا تُفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»  
در گفتمان های غربی از واژه ای جذب استفاده می کنند؛ جذب به یک محصول و کالا، برای صاحب شرکت تولید قدرت می کند.  
«فض» بودن و «غلظ القلب» بودن دو مصداق است از اخلاق.

در آیه ۶۳ از سوره انفال نیز می فرماید: «وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ. لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ»

❖ انفاق ← آیه ۶۳ سوره انفال

❖ تألیف قلوب ← آیه ۶۳ سوره انفال

در مورد انفاق، آیه ۳۸ سوره شوری نیز مطرح است. در این آیه چند منبع قدرت نرم ذکر شده، اما آن چه در مورد

انفاق است عبارت است از: «... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» امروزه این نوع انفاق با عنوان «تأمین

اجتماعی» مطرح می شود. هر چه از لحاظ گستره و عمق، تأمین اجتماعی تقویت شود، قدرت نرم افزایش می یابد.

معنای تأمین اجتماعی را می توان با واژه های «صدقه» و «تکافل» نیز در آیات و روایات بررسی کرد.

❖ مشارکت : اتفاق می تواند تکمیل کننده امر مشارکت باشد؛ آیه ۳۸ سوره شوری: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» اشاره به این موضوع دارد. دو واژه «شورا» و «بیعت» به موضوع مشارکت اشاره دارد. در آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» برخی از مفسران بر این باورند که آیه تنها به جنبه مشورت اشاره داشته است. سوره ضررها - مطابق آیه شریفه - دو کراس نیست. صاحب قدرت مأمور به مشاوره هستند تا به تصمیم نرسند. اما نحوه مشورت در آیه ذکر نشده است. بیعت از نوع معاهده است اما سوره از جنس مشارکت است؛ اما با این وجود، هر دو تعویق قدرت را در بر دارند.

❖ امر به معروف و نهی از منکر

❖ اخوت : سوره حجرات آیه ۱۰ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَتِكُمْ». میان اخوت میان مهاجرین در انصار که توسط پیامبر اکرم (ص) ایجاد شد، گسست ها ابداعی که در حال شکل گیری نوعی بحران و ناامنی در آن دیده بود، از بین برد.

❖ سبک رفتار سیاسی : سبک رفتار افراد در حل مسائل مؤثر است. شیوه رفتار صاحب قدرت در حل و فصل مناسبات قدرت اثرات زیادی دارد. آیه ۱۲۵ سوره نحل به این موضوع اشاره دارد: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صُلِّ عَنْ سَبِيلِهِ. وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» ❖ مدیریت قدرت : چگونه کسب قدرت، حفظ و گسترش آن، مدیریت سبک نامه سور. در قرآن کریم چند مدخل برای این بحث وجود دارد:

❖ فساد ستیزی: فساد از آن جایی مهم است که هم باعث زوال قدرت و هم باعث کاهش کارآمدی قدرت می شود. ❖



فساد آن قدر مهم است که یکی از شاخص‌های سبب‌بندی نظام‌های سیاسی به‌کار می‌رود. تلاش برای کاهش و از بین بردن آن لازم است. آیه ۱۴ سوره روم می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

در مورد کاهش فساد دو نوع نظریه مطرح است؛ برخی ترتیب افراد صالح را عاملی برای کاهش فساد مؤثر می‌دانند. اما گروه دیگر، اصلاح فرآیندها را جهت کاهش فساد اثرگذار می‌دانند.

تجربه نشان داده است که سازوکارهای نظام سیاسی موجب ایجاد فساد می‌شود. با توجه به عبارت «بما کسبت أیدی الناس» متوجه می‌شویم که خودمان چنان سازوکارهای نظام را طراحی می‌کنیم که تولیدکننده فساد است. ساختارها را نباید با توجه به افراد طراحی کرد؛ چون افراد تغییر می‌کنند. سازوکارها باید طوری طراحی شوند که چنانچه افرادی نامصالح وارد ساختار شوند، نتوانند فساد کنند. بنابراین محوریت فساد‌سوزی، فرآیندسازی می‌باشد.

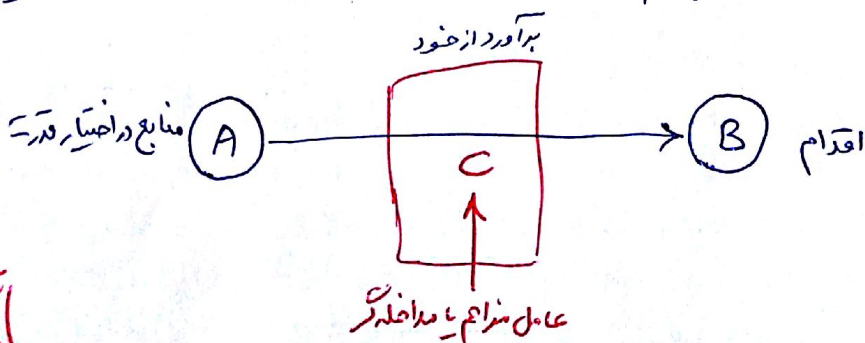
## ۲) مؤلفه‌های عملی قدرت

اولین محور که در قرآن کریم آمده است، برآوردی است که هر بازنگر از خود دارد. در داستان حضرت موسی (ع) سوره طه، آیات ۴۵ و ۴۶ آمده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ عِلِّيَّاتِي أَوْ أَنْ يُخَوِّفَنِي بِمَا كَسَبْتُ» معنای آن «ای خداوند من! می‌ترسم که علوهای من را تغییر دهد یا من را بترساند به‌خاطر گناهانی که انجام داده‌ام». در این داستان علو غم‌انگیز هارون (ع) همراه حضرت موسی (ع) می‌شود، ایشان می‌فرماید: «مَنْ أَمْسَكَ فِرْعَوْنَ عَلَيْهِ مَا طَعَنَ فِيَّ» برآورد حضرت موسی (ع) از قدرت خود کم بوده است.

میزان منابع قدرت + برآورد از خود = اقدام

ممکن است میزان منابع قدرت بالا باشد، اما اگر برآورد از خود، متغیر باشد؛ در نتیجه اقدام هم صورت نمی‌گیرد. در مدیریت قدرت علاوه بر منابع در اختیار، برآورد از خود نیز مهم است. البته باید برآورد از خود متناسب با میزان

منابع در اختیار باشد، نه این که تطابق داشته باشد.



تناسب منابع و برآورد باید به این صورت باشد که اگر نخواهیم با منابع کم، اقدام بزرگ انجام دهیم، نیاز به بستوانه وجود دارد. مثلاً در جنگ ایران و عراق، مغنوبه، بستوانه ایران بود.

برآورد از «دگری» دومین محور است. در سوره انفال، آیه ۴۴ به این موضوع اشاره شده است: «وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَتُّمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا». در جنگ بدر، برآورد مسلمانان از کفار به گونه ای بود که آن ها را کم می دیدند.

سومین محور، برآورد محصل است. در دنیای سیاست، ضرورتاً بازنگری فوکی کر به پیروزی نمی رسد. عوامل محصل به ما نشان می دهد که چگونه می تواند محصل بر مبنای سیاست «و بازنگری اثرگذار باشد». در سوره بقره آیه ۲۴۹ در داستان طوطی آمده است: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْهُمْ قِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ».

برآورد رقیب از خودش چیست عامل است. ما باید بدانیم امریکای چه تصویری از خودش دارد. خداوند در قرآن کریم تصویری که اقوام مختلف از خود داشتند را مطرح می فرماید. قوم عاد، قوم ثمود و فرعون برداشته که داشتند این گونه بود (سوره نجر آیه ۶ تا ۱۳): «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ. إِرْمَ ذَاتَ الْعِمَادِ. الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ. وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ. وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَارِ. الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ. فَالْتَرَوْا فِيهَا الْعُصَادَ. وَ صَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطًا مِّنَ الْعَذَابِ».

تصور دیگری از ما بجهتین عامل در مدیریت قدرت است. برآورد رقیب از ما مهم است. ما باید بدانیم امریکای چه تصویری از ایران دارد. قسمت دوم آیه ۴۴ سوره انفال بر همین مبناست: «وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ».